

بررسی ابهامات موجود در اصلاحیه ماده ۸ ، بند(د) از لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری با رویکرد به مشاغل غیر سازمانی حقوقی و قضایی در نیروهای مسلح

رحمان هدایتی چنانی^۱

^۱ نویسنده، مؤلف و پژوهشگر در زمینه حقوق و فارغ التحصیل از دانشگاه های آزاد اسلامی واحد لاهیجان پیام نور و دانشگاه امام علی (ع) تهران

چکیده

براساس اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ که بند(د) به قانون مزبور الحاق گردیده و در تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالیه از حوزه علمیه قم یا حداقل ۵ سال سابقه کارمندی و ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند، بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی، کانون باید وفق ماده واحده ۳ از این قانون در مورد تقاضای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید. علی ایحال در نیروهای مسلح کارکنانی وجود داشته، که بصورت عملی و غیر سازمانی (غیر رسته سازمانی حقوق ولی دارای تحصیلات حقوقی) در مشاغل حقوقی و قضایی نیروهای مسلح بکارگیری می شوند، که بعد مرور زمان خواهان استفاده از مزایای شغل عملی خود بوده که بعضاً با مخالفت سازمان مربوطه و ایضاً کانون وکلای دادگستری مواجه بوده، در حالی که مستندات قوی، همچون دادنامه های صادره از مراجع قضایی که نام و مشخصات کارکنان مزبور به عنوان نماینده حقوقی یگان نظامی صراحتاً قید گردیده و دادنامه های صادره بر پایه شکواییه و دادخواست نماینده حقوقی یگان نظامی استوار بوده دال بر صحت سوابق حقوقی و قضایی کارکنان نظامی دارای شرایط مذکور می باشد. مع الوصف موجب شکواییه کارکنان نظامی در دیوان عدالت اداری جهت استفاده از مزایای قانونی خود گردیده که باعث افزایش حجم پرونده واطاله دادرسی در دیوان و ایضاً باعث تحمیل هزینه های دادرسی و صرف زمان برای کارکنان مزبور و سازمان نظامی مربوطه می گردد. لذا این مقاله با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی، جایگاه اماره و دلیل درخصوص سوابق عملی غیر سازمانی رسته حقوق در نیروهای مسلح با رویکرد بر قانون اصلاحی کانون وکلای دادگستری ماده ۸ و بند (د) از این قانون را مورد بررسی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: رسته- شغل عملی و غیر سازمانی، دیوان عدالت اداری

۱- بیان مسأله

بر اساس ماده واحده قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح: تمام وزارتخانه ها، شرکتها، مؤسسات و سازمانهای دولتی و دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا به درخواست کارکنان خود در زمان حیات و یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت در دعوایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می شود یا به نحوی با وظایف ایشان مرتبط است با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل، به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند.

تبصره ۱- مقررات این قانون شامل کارکنانی که دستگاههای دولتی از آنان شاکی باشند نخواهد شد.
تبصره ۲- کارشناسان حقوقی موضوع این قانون باید دارای حداقل مدرک کارشناسی در رشته حقوق قضائی و در موارد یادشده بدون الزام به دریافت و ارائه پروانه وکالت و با لازم به رعایت بخشی از مقررات راجع به وظایف و تکالیف وکلای دادگستری که در آئین نامه اجرائی این قانون مشخص می شود، با درخواست اشخاص مذکور در ماده واحده حسب مورد در تمامی مراحل دادرسی به عنوان وکیل شرکت کنند.

تبصره ۳- آئین نامه اجرائی این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان امور اداری و استخدامی کشور ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و نهم مهر ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. ضمناً آیین نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح نیز در مورخه ۱۳۷۹/۰۶/۱۶ مصوب و ابلاغ گردیده است. علی ایحال در یگانهای مسلح کارکنانی هستند که در واحدها و شعبات حقوقی و قضایی مشغول به خدمت بوده علی رغم اینکه مسئولیت ضابطین نظامی و اجرای دستورات مراجع قضایی و دادستان های نظامی را در خصوص شکایات کارکنان مشغول به خدمت در پادگانهای نظامی (اعم از تیپ، لشکر، و قرارگاه منطقه ای) را عهده دار می باشند، بطور همزمان نماینده حقوقی یگان نظامی نیز بوده و وظیفه دفاع از منافع یگان نظامی در خصوص شکایات مردمی بر علیه یگان نظامی و همچنین دفاع از حق و حقوق کارکنان نظامی یگان خود در مراجع قضایی را عهده دار هستند. لازم به ذکر است بطور معمول و سازمانی افراد نظامی و بعضاً کارمند با رسته سازمانی حقوق باید در واحد و شعبه حقوقی و قضایی یگان گماشته شوند، لکن به دلیل کمبود واگذاری کارکنان نظامی با رسته سازمانی حقوق، لذا یگان نظامی مربوطه با تدابیر فرمانده عمده خود، اقدام به بکارگیری از ظرفیتهای موجود در یگان نظامی نموده و در این راستا از کارکنان نظامی واجد شرایط که دارای تحصیلات حقوقی بوده، همچنین رسته سازمانی آنان غیر حقوق بوده بطور عملی استفاده نموده و این کارکنان تمام شرح وظایفی را که فرد دارای رسته سازمانی حقوق باید انجام می داد را در یگان انجام داده که بعضاً چندین سال این وظایف تداوم داشته که بعد از واگذاری کارکنان دارای رسته سازمانی حقوق به یگان، فرمانده عمده یگان نظامی، لاجراً مجبور به برکناری فرد مربوطه و استفاده از نیروی جدید واگذار شده می گردد. براساس اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ که بند(د) به قانون مزبور الحاق گردیده و در تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کارمتوالی و ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند، بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی، کانون باید وفق ماده واحده ۳ از این قانون در مورد تقاضای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید. علی ایحال در نیروهای مسلح کارکنانی وجود داشته، که بصورت عملی و غیر سازمانی (غیر رسته سازمانی حقوق ولی دارای تحصیلات حقوقی) در مشاغل حقوقی و قضایی نیروهای مسلح بکارگیری می شوند، که بعد مرور زمان

خواهان استفاده از مزایای شغل عملی خود بوده که بعضاً با مخالفت سازمان مربوطه و ایضاً کانون وکلای دادگستری مواجه بوده، در حالی که مستندات قوی همچون دادنامه های صادره از مراجع قضایی که نام و مشخصات کارکنان مزبور به عنوان نماینده حقوقی یگان نظامی صراحتاً قید گردیده و دادنامه های صادره بر پایه شکواییه و دادخواست نماینده حقوقی یگان نظامی استوار بوده دال بر صحت سوابق حقوقی و قضایی کارکنان نظامی دارای شرایط مذکور می باشد. مع الوصف موجب شکواییه کارکنان نظامی در دیوان عدالت اداری جهت استفاده از مزایای قانونی خود گردیده که باعث افزایش حجم پرونده واطاله دادرسی در دیوان و ایضاً باعث تحمیل هزینه های دادرسی و صرف زمان برای کارکنان مزبور و سازمان نظامی مربوطه می گردد.

لذا این مقاله با بهره گیری از روش تحلیلی-توصیفی، جایگاه اماره و دلیل درخصوص سوابق عملی غیر سازمانی رسته حقوق در نیروهای مسلح با رویکرد بر قانون اصلاحی کانون وکلای دادگستری ماده ۸ و بند (د) از این قانون را مورد بررسی قرار می دهد.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق هم باید گفت که هیچ کار علمی در قالب کتاب، مقاله، یا رساله، درباره بررسی ابهامات موجود در اصلاحیه ماده ۸، بند(د) از لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری با رویکرد بر مشاغل غیر سازمانی حقوقی و قضایی در نیروهای مسلح و استفاده از مزایای سوابق عملی قضایی و حقوقی در دسترس نیست. از این رو، دستاوردهای مقاله پیش رو می تواند به شناسایی دقیق در این زمینه و بیان کاستی های متون مربوطه در اصلاحیه ماده ۸، بند(د) از لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۲۲۴ بیانجامد.

۳- اهداف تحقیق

- اهداف علمی: تبیین خلأ جایگاه سوابق عملی قضایی و حقوقی غیر سازمانی کارکنان نظامی مشغول به خدمت دارای تحصیلات حقوقی در واحدها و شعبات قضایی و حقوقی در یگانهای نظامی در نیروی مسلح با رویکرد بر اصلاحیه ماده ۸، بند(د) از لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری، جهت جلوگیری از ارجاع شکواییه و دادخواست کارکنان نظامی به دیوان عدالت اداری.

- اهداف کاربردی: ثبت سیستمی سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی حقوقی و قضایی کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در یگانهای نظامی نیروهای مسلح و ارجاع به سازمان عمده نظامی جهت ثبت در سوابق و متعاقباً استفاده کارکنان نظامی از مزایای سوابق قضایی و حقوقی در اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری و در باب ضرورت های خاص انجام تحقیق هم باید گفت: کاهش حجم پرونده های قضایی در این باب در دیوان عدالت اداری و کانون وکلا و پیشنهاد راهکارهای لازم در این مقوله خود گویای ضرورت انجام این تحقیق است.

۴- سوالات تحقیق

- سوالات اصلی تحقیق:

۱. آیا سوابق قضایی و حقوقی در مشاغل عملی غیر سازمانی رسته حقوق برای کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در نیروهای مسلح که دادنامه های صادره از مراجع قضایی دال بر نمایندگی حقوقی آنان در بازه های زمانی مختلف بوده در طی سالیان متمادی، دلیل قاطع و مستند بر استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی در اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری برای آنان بوده یا فقط یک اماره قوی می باشد؟

۲. آیا یگان نظامی می تواند برای مشاغل بلاتصدی حقوقی و قضایی خود از کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی بیش از سه ماه به عنوان سرپرست واحد حقوقی و قضایی استفاده نماید ؟

-سوالات فرعی تحقیق :

۳. روند رسیدگی به شکایت کارکنان نظامی که دارای سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی در واحدها و شعبات قضایی نیروهای مسلح بوده و خواستار استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری می باشند چگونه است ؟

۴. آیا کانون های وکلای استان ها ، وقتی که فرد نظامی سوابق عملی غیر سازمانی مشاغل حقوقی و قضایی خود را که توأم با تحصیلات حقوقی نیز بوده به عنوان معرفی نامه در ذیل مدارک کارگزینی سازمان نظامی عمده خود جهت استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری ارائه می دهد ، می توانند از پذیرش آن استنکاف ورزند ؟

۵- فرضیه های تحقیق

-فرضیه اصلی :

۱. به نظر می رسد دلیل قاطع و مستند بر استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری برای آنان بوده که دادنامه های صادره به نام نمایندگی حقوقی آن دال بر صحت آن می باشد .

۲. به نظر می رسد استفاده عملی از کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی بیش از ۳ ماه برای مشاغل بلاتصدی سازمانی حقوقی و قضایی در یگانهای نظامی نیروهای مسلح فاقد وجاهت قانونی بوده و بعد از گذشت سه ماه باید شغل سازمانی قضایی و حقوقی به فرد نظامی اعطا گردد .

- فرضیات فرعی :

۳. به نظر می رسد در صورت استنکاف یگان نظامی و کانون وکلای استان ها از پذیرش مدارک و مستندات ، در دیوان عدالت اداری باید جهت الزام اقدام نمود .

۴. خیر-به نظر می رسد استنکاف آنان فاقد وجاهت قانونی است .

۶- روش تحقیق و نحوه جمع آوری داده ها

تحقیق حاضر بر اساس روش تحقیق تحلیلی توصیفی خواهد بود و روش گرد آوری مطالب در این تحقیق به روش کتابخانه ای - اسنادی می باشد. ابزار اصلی گردآوری مطالب استفاده از فیش و کتاب و برنامه و نرم افزارهای کامپیوتری می باشد، که منابع مربوطه را مطالعه کرده و به صورت فیش برداری بر اساس پلان تهیه و مقاله به نگارش در آمده است .

۷- ساختار پژوهش

این مقاله در سه مبحث توسط نگارنده تنظیم گردیده که به ترتیب در مبحث اول به بیان مفاهیم اساسی پژوهش پرداخته و در مبحث دوم بررسی جایگاه اماره و دلیل درخصوص سوابق قضایی و حقوقی در مشاغل عملی غیر سازمانی رسته حقوق برای کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در نیروهای مسلح با رویکرد بر اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری و در مبحث سوم چگونگی رسیدگی شکواییه و روند رسیدگی به شکایت کارکنان نظامی که دارای سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی در واحدها و شعبات قضایی نیروهای مسلح مورد بررسی قرار گرفته است . در این تحقیق با توجه به موضوع سعی می شود تا با مطالعه کتب حقوقی و آیین

نامه های مصوب نیروهای مسلح مرتبط با موضوع و ملاحظه برخی از منابع خارجی اعم از کتاب و سایتهای اینترنتی تجزیه و تحلیل مطالب آن ها به جمع بندی قابل قبولی برای مباحث مطرح در مقاله دست یابیم و سپس باتوجه به اطلاعات جمع آوری شده و مطالعات صورت گرفته، پس از طبقه بندی آن ها، مرحله نگارش را انجام دهیم. روش تحقیق بر مبنای مطالعه کتابخانه ای انجام می پذیرد. در توصیف علمی و عملی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی به موضوع پژوهش پرداخته تا نتیجتاً به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارائه نماییم. همچنین نگارنده درصدد است که طرز ارائه مطالب تحقیق ضمن این که از جنبه های نظری برخوردار باشد، جنبه های عملی و کاربردی نیز داشته باشد. ضمناً بهره وران کاربردی این پژوهش، دانشجویان حقوق-اداره کل حقوقی قوه قضائیه- کانون وکلای استان ها - و کارکنان شاغل سازمان های نیروهای مسلح می باشند. لازم به ذکر است جدید بودن موضوع و عدم کارشدن آن بدین صورت، و در مجموع بروز بودن موضوع و جامعیت آن در پرداخت به موضوع پژوهش است که آن را از دیگر موضوعات مشابه متمایز می سازد.

مبحث اول: مفاهیم اساسی پژوهش

۱-۱. تعریف کارکنان شاغل نیروهای مسلح

کارکنان شاغل نیروهای مسلح عبارتند از کارکنان پایور (کادر ثابت)، وظیفه، پیمانی، بسیجی و خرید خدمت^۱. (آیین نامه سطح سلامت کارکنان شاغل نیروهای مسلح، ۱۳۹۳)

۱-۲. دیوان عدالت اداری

در اجرای اصل یکصد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران، واحدها و آیین نامه های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده، دیوان عدالت اداری که در این قانون به اختصار دیوان نامیده می شود، زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می گردد^۲. (بیگ زاده، دکتر صفر، ۱۳۹۶، مجموعه قوانین صبا، انتشارات کلک صبا ص ۸۶۳)

۱-۳. تعریف رسته در نیروهای مسلح

عبارت است از مجموعه رشته های شغلی که از نظر تخصص، نوع کار یا نوع آموزش وابستگی و ارتباط نزدیک داشته باشند. (ماده ۲۰ قانون آجا)^۳

۱-۴. تعریف رسته حقوق در نیروهای مسلح

رسته ای است که پرسنل آن حسب مورد از تواناییهای لازم جهت انجام فعالیتهای مربوط به قضاوت، وکالت، مشاورت در زمینه حقوق داخل و بین الملل و همچنین طراحی قوانین و مقررات پرسنلی، استنباط از قوانین و مقررات و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات، رسیدگی و تعقیب دعاوی حقوقی و جزایی و امور اجرایی قضایی، و رسیدگی به شکایات و تخلفات برخوردار باشند. (دستورالعمل رسته های آجا، ۱۳۷۳)، ستاد مشترک آجا)

۱- آیین نامه هیئت وزیران در خصوص نحوه استفاده از خدمات اشخاص به صورت خرید خدمت توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۴

۲. ماده یک از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۲/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

۳. به نقل از روزنامه رسمی شماره: ۱۲۴۴۱ مورخه ۱۳۶۶/۰۸/۲۱

۵-۱. تعریف شغل نظامی

عبارت است از مجموعه وظایف و اختیارات مشخصی که در جداول سازمانی برای نظامیان پیش بینی می شود. (ماده ۱۹ قانون آجا-بند یک)^۱

لازم به ذکر است وفق تبصره ماده ۴۲ قانون آجا: بکارگیری پرسنل در مشاغل غیرمرتبط با تخصص آنان ممنوع است.

۶-۱. شغل عملی غیر سازمانی در نیروهای مسلح

شغلی است که کارکنان نظامی حسب مدرک تخصصی خود چنانچه محل جدول سازمانی شغلی در یگان نظامی، بلاتصدی از لحاظ سازمانی باشد، تا هنگام واگذاری کارکنان نظامی دارای رسته و درجه سازمانی مرتبط با شغل جدول سازمانی در آن محل مشغول به خدمت می باشند، لکن نمی توانند از مزایای حقوق (وجه نقد پرداختی در فیش حقوقی کارکنان که ماهانه پرداخت می گردد) بهره مند گردند، حتی علی رغم اینکه تمام شرح وظایف محل شغل بلاتصدی سازمانی را نیز بصورت سرپرست انجام می دهند. که البته روال جاری در تمام مسئولیتهای کشوری مدت حضور سرپرست تا گماردن مسئول اصلی سه ماه بوده، لکن در نیروهای مسلح این مدت تا واگذاری فرد مرتبط با رسته و درجه سازمانی جدول سازمانی شغلی کماکان ادامه یافته و بعضاً چندین سال متوالی نیز ادامه می یابد.

۷-۱. تعریف دلیل

دلیل در لغت به معنای راهنما، رهبر، رهنمون و راهبر است. (فرهنگ لغت دهخدا)

و همچنین دلیل به معنای مرشد و راهنما، راه، طریق، آنچه که برای اثبات امری به کار می برند، ادلاء ادله می باشد. (فرهنگ لغت معین)

۸-۱. تعریف اماره

اماره در لغت به معنای نشان، نشانه و علامت است. (فرهنگ لغت معین)

الف) امارات قانونی

امارات قانونی اماراتی هستند که صراحتاً در قانون ذکر شده اند. به عبارت دیگر در برخی موارد، قانون وجود برخی شرایط را نشان و دال بر مسئله‌ی خاصی دانسته است. مثلاً خانه یکی از امارات قانونی است که در ماده‌ی ۳۵ قانون مدنی مطرح شده است و به عنوان «اماره‌ی تصرف» شناخته می‌شود. امارات قانونی بر پایه‌ی «غلبه» و «ظاهر» بنا شده‌اند: یعنی در غالب اوقات و اکثر موارد این امر صادق است، هرچند همیشه این‌طور نیست. برای همین راه برای اثبات خلاف آن باز است. اصولاً وقتی فردی در جایی ساکن است، مالک آن است (مالک خود مال یا منافع آن مثلاً از طریق اجاره). مثال دیگر از امارات قانونی، ماده‌ی ۱۰۹ قانون مدنی است که عنوان می‌نماید دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می‌شود مگر اینکه دلیلی خلاف آن موجود باشد.

ویژگی مهم دیگر در خصوص امارات قانونی این است که به نفع صاحب آن دلیل می‌شوند و کسی که خلاف یک اماره‌ی قانونی را ادعا می‌کند باید برای اثبات ادعای خود دلیل بیاورد. به عنوان مثال اگر شما ساکن خانه هستید و کسی مدعی شده است که او مالک آن خانه است، شما نباید اثبات کنید که مالک هستید؛ بلکه این وظیفه‌ی مدعی و معارض شماست که با دلیل و مدرک اثبات کند که مالک آن خانه است. امارات قانونی محدود و معین هستند و حتماً باید در قانون ذکر گردند.

(ب) امارات قضایی

دسته‌ی دوم از امارات، امارات قضایی هستند. امارات قضایی اماراتی هستند که در نظر قاضی نشانه‌ی امری هستند. این امارات درواقع شرایط خاصی هستند که ممکن است در دعوا وجود داشته باشند. به عبارت دیگر، برخلاف امارات قانونی، امارات قضایی نوعی و مبتنی بر رویه‌ی معمول نیستند، بلکه شرایط به خصوصی هستند که در هر پرونده وجود دارند و کاملاً وابسته به تشخیص قاضی هستند. درواقع ممکن است در هر دعوای خاص، اماره‌ی قضایی مربوط به آن دعوا وجود داشته باشد. به این ترتیب امارات قضایی نامحدود هستند و تعداد معین و مشخصی ندارند؛ اما این امارات هم در صورتی که دلیل دیگری در دست نباشد و بتوانند قاضی را قانع نمایند، قابل استناد هستند و قاضی می‌تواند براساس آنها حکم صادر نماید.

نکته‌ی مهم در خصوص امارات قضایی این است که چون معیار و ملاک این امارات شخصی است یعنی در هر پرونده و بنابر خصوصیات و ویژگی‌های خاص همان پرونده در نظر گرفته می‌شود، اگر بتواند قاضی را قانع نماید، بر امارات قانونی مقدم است. (کریمی، دکتر عباس، ۱۳۹۹، ادله اثبات دعوا، انتشارات میزان، چاپ هفتم)

۹-۱. ادله اثبات دعوی در امور حقوقی و کیفری

الف) ادله اثبات دعوی در امور حقوقی

دعای حقوقی دعاوی هستند که در دادگاه عمومی مطرح می‌شوند و بیشتر مربوط به مسائل خسارت و جبران آن است. در واقع در دعای حقوقی، به جرایم و مجازات‌ها رسیدگی نمی‌شود. در قانون برای اثبات ادعایی که در دادگاه حقوقی مطرح می‌شود ۵ شیوه در نظر گرفته شده است:

۱- اقرار: اقرار در پرونده‌های حقوقی به این معناست که شخص اقرار کننده موضوعی را که به ضرر خودش و به نفع دیگری است را بیان کند. در صورت اقرار شخص به زیان خودش، طرف مقابل دیگر نیازی به ارائه دلیل و مدرک ندارد.

۲- سند: مهمترین دلیل برای اثبات ادعا در دعاوی حقوقی است. سند در ادله اثبات دعوی، هر نوشته‌ای است که قابل استناد باشد و دادگاه آن را به عنوان دلیلی برای اثبات ادعا بپذیرد.

۳- شهادت: اگر به دو روش اقرار و ارائه سند نتوان ادعا را ثابت کرد، می‌توان از شاهدان خواست تا شهادت بدهند. شهادت در امور حقوقی به این معنی است که از کسی که به صورت تصادفی یا غیر تصادفی، درباره موضوع دعوا چیزی شنیده یا دیده است، خواسته شود تا آنچه می‌داند را در دادگاه بیان کند.

۴- بازدید محل و تحقیقات محلی: در صورتی که یکی از دو طرف دعوا، به اطلاعات اهل محل استناد کند، حتی اگر نامی از اهالی محل که اطلاعات مورد نظر را دارند نبرد، دادگاه دستور تحقیق محلی صادر می‌کند تا بازدید از محل و تحقیقات محلی صورت بگیرد.

۵- رجوع به کارشناس: در مواردی، هر دو طرف یا یکی از آنها می توانند از دادگاه بخواهند تا موضوع از طریق کارشناسی پیگیری شود. البته در مواردی که لازم باشد بدون درخواست طرفین، خود قاضی می تواند قرار ارجاع به کارشناس را صادر کند.

۶- قسم: قسم یا سوگند کم کاربرد ترین دلیل برای اثبات دعوی است و بیشتر به منظور پایان دادن به اختلاف از آن استفاده می شود. در واقع هر زمان که مدعی دلایل کافی برای اثبات ادعای خود نداشته باشد و طرف مقابل هم ادعای مدعی را رد کند، مدعی می تواند از طرف مقابل بخواهد که سوگند بخورد که حقیقت را می گوید.

(ب) ادله اثبات دعوی در امور کیفری

منظور از دعاوی کیفری، دعاوی ای است که در نتیجه وقوع یک جرم در دادسرا مطرح می شوند و شاکی خواستار مجازات مجرم است. برای اثبات جرم در دعاوی کیفری به ۴ دلیل می توان استناد کرد:

۱- اقرار: اقرار در امور کیفری این گونه است که شخص ارتکاب جرم از طرف خودش را اعلام می کند.

۲- شهادت: شهادت در امور کیفری به این معنی است که کسی غیر از دو طرف دعوی، رخ دادن یا ندادن جرم توسط متهم یا هر موضوع دیگر مرتبط با جرم را در دادگاه بیان کند.

۳- قسم: قسم در امور کیفری به معنای این است که کسی که قسم می خورد خدا را گواه می گیرد که حقیقت را می گوید. البته ادای قسم در دعاوی کیفری شرایطی دارد که باید رعایت شود.

۴- علم قاضی: علم قاضی یعنی اینکه قاضی بر اساس یک سری مستندات درباره دعوا مطرح شده یقین پیدا می کند و می تواند براساس آنها حکم دهد. از جمله مواردی که باعث علم قاضی می شود نظر کارشناس، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع و گزارش ضابطان دادگستری مانند پلیس و نیروهای بسیج است. یعنی اطلاعات حاصل از این موارد مانند گزارش بسیج یا نیروهای پلیس علم قاضی محسوب می شود و قاضی می تواند بر اساس آن حکم دهد. (کریمی، دکتر عباس، ۱۳۹۹، ادله اثبات دعوا، انتشارات میزان، چاپ هفتم)

مبحث دوم: بررسی جایگاه اماره و دلیل درخصوص سوابق قضایی و حقوقی در مشاغل عملی غیر سازمانی رسته حقوق برای کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در نیروهای مسلح با رویکرد بر اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری

۱-۲. تحقیق و تفحص در اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری

براساس اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ که بند (د) به قانون مزبور الحاق گردیده و در تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم با حداقل ۵ سال سابقه کارمتمالی و ۱۰ سال متناوب در سمتهای حقوقی در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند، بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی، کانون باید وفق ماده واحده ۳ از این قانون در مورد تقاضای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.

۲-۲. ابهامات اصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری

علی ایحال در یگانهای مسلح کارکنانی هستند که در واحدها و شعبات حقوقی و قضایی مشغول به خدمت بوده علی رغم

اینکه مسئولیت ضابطین نظامی و اجرای دستورات مراجع قضایی و دادستان های نظامی را در خصوص شکایات کارکنان مشغول به خدمت در پادگانهای نظامی (اعم از تیپ ، لشکر ، و قرارگاه منطقه ای) را عهده دار می باشند ، بطور همزمان نماینده حقوقی یگان نظامی نیز بوده و وظیفه دفاع از منافع یگان نظامی در خصوص شکایات مردمی بر علیه یگان نظامی و همچنین دفاع از حق و حقوق کارکنان نظامی یگان خود در مراجع قضایی را عهده دار هستند . لازم به ذکر است بطور معمول و سازمانی افراد نظامی و بعضاً کارمند با رسته سازمانی حقوق باید در واحد و شعبه حقوقی و قضایی یگان گماشته شوند ، لکن به دلیل کمبود واگذاری کارکنان نظامی با رسته سازمانی حقوق ، لذا یگان نظامی مربوطه با تدابیر فرمانده عمده خود اقدام بکارگیری از ظرفیتهای موجود در یگان نظامی نموده و در این راستا از کارکنان نظامی واجد شرایط که دارای تحصیلات حقوقی بوده ، لکن رسته سازمانی آنان غیر حقوق بوده بطور عملی استفاده نموده و این کارکنان تمام شرح وظایفی را که فرد دارای رسته سازمانی حقوق باید انجام می داد را در یگان انجام داده که بعضاً چندین سال این وظایف تداوم داشته که بعد از واگذاری کارکنان دارای رسته سازمانی حقوق به یگان ، فرمانده عمده یگان نظامی ، لاجراً مجبور به برکناری فرد مربوطه و استفاده از نیروی جدید واگذار شده می گردد .

مبحث سوم :چگونگی رسیدگی شکواییه و روند رسیدگی به شکایت کارکنان نظامی که دارای سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی در واحدها و شعبات قضایی نیروهای مسلح

بعد مرور زمان کارکنان نظامی که چندین سال متوالی عهده دار نماینده حقوقی در یگان نظامی سازمان نظامی خود بوده ولی بطور غیر سازمانی و بصورت عملی با واجد شرایط بودن تحصیلات حقوقی خواهان استفاده از مزایای شغل عملی خود می باشند، که بعضاً با مخالفت سازمان مربوطه و ایضاً کانون وکلای دادگستری مواجه بوده ، در حالی که مستندات قوی همچون دادنامه های صادره از مراجع قضایی که نام و مشخصات کارکنان مزبور به عنوان نماینده حقوقی یگان نظامی صراحتاً قید گردیده و دادنامه های صادره بر پایه شکواییه و دادخواست نماینده حقوقی یگان نظامی استوار بوده دال بر صحت سوابق حقوقی و قضایی کارکنان نظامی دارای شرایط مذکور می باشد .مع الوصف موجب شکواییه کارکنان نظامی در دیوان عدالت اداری جهت استفاده از مزایای قانونی خود گردیده که باعث افزایش حجم پرونده واطاله دادرسی در دیوان و ایضاً باعث تحمیل هزینه های دادرسی و صرف زمان برای کارکنان مزبور و سازمان نظامی مربوطه می گردد.

نتیجه گیری

۱. به نظر می رسد سوابق قضایی و حقوقی در مشاغل عملی غیر سازمانی رسته حقوق برای کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در نیروهای مسلح که دادنامه های صادره از مراجع قضایی دال بر نمایندگی حقوقی آنان در بازه های زمانی مختلف بوده در طی سالیان متمادی ، دلیل قاطع و مستند بر استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری برای آنان بوده و نمی توان آن را فقط صرف یک اماره قوی تلقی نمود .

۲. به نظر می رسد استفاده عملی از کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی بیش از ۳ ماه برای مشاغل بلاتصدی سازمانی حقوقی و قضایی در یگانهای نظامی نیروهای مسلح فاقد وجاهت قانونی بوده و بعد از گذشت سه ماه باید شغل سازمانی قضایی و حقوقی به فرد نظامی اعطا گردد .

۳. روند رسیدگی به شکایت کارکنان نظامی که دارای سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی در واحدها و شعبات قضایی نیروهای مسلح بوده و خواستار استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری می باشند به

نظر می‌رسد در صورت استنکاف یگان نظامی و کانون وکلای استان‌ها از پذیرش مدارک و مستندات، در دیوان عدالت اداری باید جهت الزام اقدام نمود.

۴. به نظر می‌رسد کانون‌های وکلای استان‌ها، وقتی که فرد نظامی سوابق عملی غیر سازمانی مشاغل حقوقی و قضایی خود را که توأم با تحصیلات حقوقی نیز بوده به عنوان معرفی نامه در ذیل مدارک کارگزینی سازمان نظامی عمده خود جهت استفاده از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری ارائه می‌دهد، نمی‌تواند از پذیرش آن استنکاف ورزند.

پیشنهادهای:

ثبت سیستمی سوابق مشاغل عملی غیر سازمانی حقوقی و قضایی کارکنان نظامی دارای تحصیلات حقوقی در یگانهای نظامی نیروهای مسلح و ارجاع به سازمان عمده نظامی جهت ثبت در سوابق و متعاقباً استفاده کارکنان نظامی از مزایای سوابق قضایی و حقوقی دراصلاحیه ماده ۸ بند (د) از قانون استقلال کانون وکلای دادگستری پیشنهاد می‌گردد.

منابع و مأخذ

الف) منابع کتابی:

- ۱- بیگ زاده، دکتر صفر (۱۳۹۶)، مجموعه قوانین صبا، انتشارات کلک صبا، تهران، چاپ سی و چهارم
 - ۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا دوره کامل ۱۶ جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران چاپ اول
 - ۳- کریمی، دکتر عباس، (۱۳۹۹)، ادله اثبات دعوا، انتشارات میزان، تهران، چاپ هفتم
 - ۴- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین- یک جلدی فارسی، انتشارات ذرین، تهران، چاپ سوم
- ب) قوانین و مقررات:
- ۱- قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ که بند(د) به قانون مزبور الحاق گردیده و در تاریخ ۱۳۷۳/۰۴/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده
 - ۲- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۰۷/۰۷
 - ۳- آیین نامه تعیین سطح سلامت کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳
 - ۴- آیین نامه هیئت وزیران در خصوص نحوه استفاده از خدمات اشخاص به صورت خرید خدمت توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۴
- ج) سایت:

1.Center Of The Islamic Republic Of IRAN Islamic Parliament Research

Investigation of the ambiguities in the amendment of Article 8, paragraph (d) of the Bill of Independence of the Bar Association with an approach to non-organizational legal and judicial occupations in the Armed Forces

Rahman Hedayati Chenani

Author, author and researcher in the field of law and graduated from Islamic Azad Universities of Lahijan Branch - Payame Noor and Imam Ali (AS) University of Tehran

Abstract

Pursuant to the amendment of Article 8 of the Law on the Independence of the Bar Association, approved on 12/05/1333, paragraph (d) of the Law has been added and approved by the Guardian Council on 04/22/1373, all those who have a bachelor's degree in judicial law or a certificate. Graduated from Qom seminary with at least 5 years of continuous work experience and 10 consecutive years in legal positions in government agencies and affiliated to the government and institutions and the armed forces, and after the implementation of this law to retire with thirty years of service, Without complying with the age requirement by completing the prescribed half of the internship, the association must make a decision on applying for an internship or attorney's license within six months in accordance with Article 3 of this law. (Non-organizational legal rights but with legal education) are used in the legal and judicial occupations of the armed forces, which over time seek to take advantage of their practical employment, which is sometimes opposed by the relevant organization and also the Bar Association, while Strong evidence such as lawsuits issued by the judiciary The name and details of the said employees are explicitly stated as the legal representative of the military unit and the lawsuits issued on the basis of the complaint and the petition of the legal representative of the military unit are based on the accuracy of the legal and judicial records of the military personnel. Military personnel in the Court of Administrative Justice have used their legal benefits to increase the volume of cases and court proceedings in the Court and also impose court costs and time for these employees and the relevant military organization. Therefore, using the analytical-descriptive method, this article examines the status of statistics and evidence regarding the non-organizational practical records of law in the armed forces with an approach to the amending law of the Bar Association of Article 8 and paragraph (d) of this law.

Keywords: Specialty-Practical and non-organizational job, Court of Administrative Justice